

## تأثیر قصه‌گویی بر گرایش منفی نسبت به والدین و پرخاشگری کودکان

### The efficacy of Story in gravitation of children toward their parents and aggression of primary students

محدثه بابایی حسن سرا (نویسنده مسئول)

**Mohadeseh Babaei Hasansara**  
Master of Educational Psychology,  
Islamic Azad University, Saveh  
Branch  
*Mohadeseh.babai@yahoo.com*

کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد  
اسلامی، واحد ساوه

**Mohammad Mehdi Ghalandari**  
Master of Public Administration,  
Islamic Azad University, Naraq  
Branch

محمد مهدی قلندری  
کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد  
اسلامی، واحد نراق

#### Abstract

The goal of this research is determining the efficacy of story in gravitation of children toward their parents and aggression of primary students. In this research which is done by mid experimental way by pretest and afterward test with Govah group. From 10 school among 5 Area , north, south, west, the east and the center of Tehran. 40 children who have negative gravitation toward their parents according to tracing family test and 40 children who behavioural test (Raterform) determined in 3 scale. Aggression . hyperactivity and social incompatibility and anti-social behavior, studied, in 2 separated part. Analysis of data's with khido & ankowa test showed meaning connection between story and aggravation of children toward their parents. But it doesn't showed the meaning connection between

#### چکیده

هدف از انجام پژوهش تعیین تأثیر قصه‌گویی بر تغییر گرایش نسبت به والدین و پرخاشگری کودکان دبستانی است. در این پژوهش که با روش آزمایشی از نوع پیش آزمون-پس آزمون با گروه گواه از بین ۱۰ مدرسه از ۵ منطقه شمال جنوب غرب شرق مرکز تهران ۴۰ کودک که بر اساس تفسیر آزمون ترسیم خانواده توسط کارشناسان ارشد روانشناسی بی اطلاع از موضوع پژوهش دارای گرایش منفی نسبت به والدین و ۴۰ نفر دیگر که در آزمون رفتاری کودکان راتر فرم معلم و پرسشنامه پرخاشگری شهیم در سه خرده مقیاس پرخاشگری - بیش فعالی، ناسازگاری اجتماعی و رفتارهای ضد اجتماعی پرخاشگر تشخیص داده شدند در دو بخش مجزا مورد مطالعه قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها با آزمون خی دو و آنکوا، وجود رابطه معنی دار بین قصه‌گویی و تغییر گرایش نسبت به والدین را نشان

sexuality and aggravation toward parents. Also the efficacy of story in decreasing violence but it doesn't showed meaning difference between 2 Genders in terms of aggression.

داد ولی رابطه معنی‌داری بین جنسیت و تغییر گرایش نسبت به والدین دیده نشد بعلاوه تأثیر قصه‌گویی بر کاهش خشونت معنادار بوده اما تفاوت معنی‌داری بین دو جنس از نظر نمره پرخاشگری دیده نشد.

**Keywords:** aggression- story- primary student- negative aggravation toward parents.

کلمات کلیدی: پرخاشگری، قصه‌گویی، کودکان دبستانی، گرایش منفی نسبت به والدین

دریافت: شهریور ۹۵، پذیرش بهمن ۹۵

## مقدمه

با وجود تمام مسائلی که ذهن پژوهشگران رشته روان‌شناسی را در مورد گروه‌های مختلف انسانی چون دانش‌آموزان، سالمندان، دانشجویان، زنان، کارمندان، ... به خود مشغول داشته است، اما به نظر آن‌ها پایه‌ای‌ترین گروه همانا کودکان هستند. از این روست که مؤسسه‌هایی چون مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا برای فراهم کردن فرصت‌هایی جهت دستیابی کودکان به مهارت‌های اجتماعی، کسب بینش اجتماعی و انتقال ارزش‌های اجتماعی به نگارش و تالیف کتاب در زمینه رشد اجتماعی کودکان پرداخته و در اختیار والدین، مربیان و مراقبان کودک قرار داده است. آلپورت (۱۹۶۱)<sup>۱</sup> در سخن از "خویشتن" می‌گوید: زمانی که کودک به دنیا می‌آید، بین دنیای خود و اطراف تفاوتی قائل نیست اما از طریق ارتباط با دیگری - که در این مرحله اصولاً مادر است - و تجربه‌های ادراکی به آرامی می‌تواند بین خود و دنیای بیرون تفاوت قائل شود. ( مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا، ۱۳۹۰) اگر این ارتباط به درستی شکل بگیرد و در مراحل بعدی زندگی کودک، دیگری که پس از مادر نقش‌های دیگری را در ارتباط با او ایفا می‌کنند در این بین وی را با کمبود مواجه سازند باید منتظر شکل‌گیری یک ارتباط توأم با ایراد و اشکال بین کودک و والدین در درجه اول و با

<sup>۱</sup>-Allpor

کل جامعه در درجه‌های بعدی بود. ایرادی همچون آنچه هدف انجام این پژوهش واقع گردیده است یعنی گرایش منفی کودکان نسبت به والدین و خشونت کودکان. همان‌گونه که هر پژوهشی با هدف خاصی انجام می‌گیرد هدف از انجام این پژوهش نیز تشخیص تأثیر قصه‌گویی بر تغییر گرایش منفی کودکان نسبت به والدین و کاهش خشونت کودکان ۸-۱۱ ساله شهر تهران است و مسئله‌ای که دلیل انجام این پژوهش است شناخت راه‌هایی برای کاهش و حذف این رفتارها در کودکان می‌باشد، که هر چه زودتر رفع شوند به نفع کودک، خانواده و کل جامعه است. روشی که این پژوهش بر آن است جهت شناخت امکان این تغییر و کاهش رفتارهای فوق مطالعه نماید تا تأثیر احتمالی آن را در کاستن و رفع این مشکلات بهتر درک کند، قصه‌گویی است. روشی که شاید به تازگی وارد روانشناسی شده است تا برای حذف و کم کردن مشکلات کودکان و حتی بزرگسالان مورد استفاده قرار گیرد.

**تعریف پرخاشگری:** پرخاشگری را عبارت از ایجاد ناراحتی‌های روانشناختی و یا وارد کردن صدمات جسمانی بر دیگری می‌داند که با قصد قبلی همراه است البته به استثنای تنبیه‌هایی که جنبه قانونی دارند و یا آسیب‌هایی که برای دفاع از خود به دیگری وارد می‌گردند، چه در تعریف‌های بعدی، اعمال پرخاشگرانه فعل پذیر را -که عبارت است از مقاومتی خاص در برابر اجرای الزامات شغلی و اجتماعی که مستقیماً ابراز نمی‌گردند بلکه به صورت انفعالی نشان داده می‌شود مانند به تعویق انداختن انجام کار، تلف کردن وقت، سرسختی و لجباجت، تظاهر به بی‌کفایتی و ناشایستگی و ندانم‌کاری، و از همه شایعتر، فراموش کردن (آزاد، ۱۳۸۴) - در بر نمی‌گیرند. آزاد در توضیح این نوع پرخاشگری چنین آورده است: این کارشکنی‌های غیرمستقیم ویژگی‌های شخصیتی انفعالی - پرخاشگری است زیرا پوششی است عاریتی برای پوشاندن دشمنی و خشم فرد.

**انواع پرخاشگری:** پرخاشگری فعال یا خصمانه<sup>۱</sup> (RA) در مقابل پرخاشگری ابزاری<sup>۲</sup> (PA) یکی از تقسیم‌بندی‌های انجام شده است. اعمالی که در دسته اول قرار می‌گیرند در موقعیت‌های تحریک‌کننده منفی چون عصبانیت و ناکامی و یا در پاسخ به برانگیختگی بروز می‌کنند و به صورت تند، تکانه‌ای و فوری انجام می‌شوند و هدف اصلی آنها ایجاد درد در دیگران است و در مقابل، PA به اعمالی اطلاق می‌گردد که توسط میل به رسیدن به یک هدف، برانگیخته می‌شود و به صورت آرام و در شکل پیشرفته خود به صورت برنامه‌ریزی شده انجام می‌گیرند و هدف اصلی آنها به دست آوردن چیزی است (یلر و لینام، ۲۰۰۶، به نقل از باس و کاباساکال، ۲۰۱۰، اسماعیلی و همکاران، ۱۳۸۵، به نقل از یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۰). دادستان (۱۳۸۵) عنوان می‌کند که برای نخستین بار فشباخ (۱۹۶۴) این دو ریخت پرخاشگری را بر اساس هدف‌ها و البته فایده‌ای که برای فرد پرخاشگر دارند از یکدیگر متمایز ساخت. پرخاشگری خصمانه پاسخی است به شرایط خشم‌انگیز همچون شنیدن ناسزا، حمله‌های جسمانی، یا شکست‌های شخصی. در چنین مواردی هدف فرد آسیب رساندن به قربانی است. و پرخاشگری ابزاری با رقابت و میل به دستیابی به برخی اشیاء یا منزلت فرد دیگر آغاز می‌شود. در این موقعیت‌ها قصد فرد صدمه زدن به دیگری نیست. اما اگر کسی مانع رسیدن فرد به هدف مورد نظر گردد وی با آسیب رساندن به او، آنرا از سر راه رسیدن به آن هدف بر می‌دارد.

**علت‌های پرخاشگری:** عوامل رفتارهای پرخاشگرانه سه دسته‌اند: ۱- عوامل درونی یا انگیزشی ۲- عوامل بازدارنده حضور این عوامل و ۳- عوامل موقعیتی یا محیطی. عوامل دسته اول باعث ایجاد انگیزه و تمایل در فرد شده و او را به سوی رفتار پرخاشگرانه سوق می‌دهد. دسته دوم در شخصیت فرد از ابراز آزادانه خشونت جلوگیری می‌کند و در آخر در توضیح عوامل دسته سوم باید گفت که رفتار فرد نه

<sup>۱</sup>- reactive

<sup>۲</sup>- proactive

تنها تحت تأثیر شخصیت وی قرار می‌گیرد بلکه متاثر از موقعیت و شرایطی که فرد در آن قرار می‌گیرد نیز هست.

**پرخاشگری کودکان:** در اوایل سال‌های پیش‌دبستانی دو نوع پرخاشگری ممکن است بروز کند یکی از آن دو و البته شایعترین آنها پرخاشگری وسیله‌ای است. در این نوع پرخاشگری وقتی که کودکان شیء، امتیاز یا چیز خاصی را می‌خواهند برای به دست آوردن آن به فردی که سر راه آنهاست حمله‌ور می‌شوند یا بر سر او فریاد می‌کشند، درست مانند آنچه در بزرگسالان مشاهده می‌گردد. نوع دیگر پرخاشگری خصمانه است که در این نوع کودک به دیگری آسیب می‌رساند که این نوع پرخاشگری دو حالت دارد: حالت اول که پرخاشگری آشکار است و در آن نوع کودک به فرد مقابل صدمه بدنی می‌زند و یا او را به چنین صدمه‌ای تهدید می‌کند. مثل کتک زدن، لگد زدن، یا تهدید کردن یک همسال به کتک زدن و نوع دوم پرخاشگری رابطه‌ای است که به صورت محرومیت اجتماعی و شایعه‌پراکنی رخ می‌دهد و به رابطه همسالان آسیب می‌رساند.

زورگویی<sup>۱</sup> شکلی از پرخاشگری است که یکطرفه بوده، یک شخص به طور مکرر به فرد دیگر که فاقد توان مقابله است حمله می‌کند و اغلب در میان کودکان و نوجوانان رخ می‌دهد (الواوس، ۱۹۹۳، به نقل بارون و همکاران، ترجمه کریمی، ۱۳۸۹). در روابط زورگویانه، یک شخص پرخاشگری را انجام می‌دهد و شخص دیگر همواره دریافت کننده است. این نوع پرخاشگری با دو انگیزه که نقش کلیدی در آن دارد مشخص می‌شود: ۱- حفظ قدرت در برابر دیگران ۲- عضو گروه خشن که به اعضا پایگاه و اعتبار می‌بخشد بودن. که این پرخاشگری نیز در کودکان شایع است. این انگیزه‌ها در پژوهش رولاند (۲۰۰۲) قابل مشاهده هستند: در این پژوهش بیش از دو هزار کودک در نروژ به پرسش‌هایی پاسخ دادند که برای اندازه‌گیری تمایل آنها به اعمال قدرت نسبت به دیگران، تمایل آنها به عضویت در یک گروه نیرومند، و تمایل

<sup>۱</sup> - bullying

آنها به افسرده یا ناخشنود بودن طراحی شده بود. نتیجه حکایت از تفاوت جنسیتی می‌کرد به این صورت که در پسران تمایل به کسب قدرت و عضو گروه نیرومند بودن، به طور معنی‌داری با زورگویی رابطه داشت. در حالی که در مورد احساس افسردگی چنین رابطه‌ای دیده نشد اما در مورد دختران هر سه انگیزه نامبرده با زورگویی رابطه داشت. و این شاید بدین معنا باشد که در دختران پرخاشگری نسبت به کسی که نمی‌تواند کارهای او را تلافی کند، یکی از فنون مقابله با احساسات منفی ناشی از افسردگی است (بارون و همکاران، ترجمه کریمی، ۱۳۸۹).

برای رفع این مشکل در کودکان از روش‌های خاصی استفاده می‌شود که متناسب با این گروه سنی است چون: بازی و بازی درمانی، قصه‌گویی همراه با نمایش خلاق، قصه‌گویی، شن بازی.

### نظریه‌های پرخاشگری

**دیدگاه روانپوشی:** فروید در ابتدا برای پرخاشگری به عنوان یک کشاننده مستقل هویت قائل نیست و آنرا واکنشی به عدم لذت و نتیجه ناکامی و درد می‌داند. اما به طور خاص آنرا به خواستهای ((من)) وابسته دانسته است (دادستان، ۱۳۸۵) ولی آخرین دیدگاه وی درباره پرخاشگری این است که تغییر جهت غریزه خود تخریب‌گر مرگ به سمت دیگران، ریشه آن است (کاپلان و سادوک، ترجمه رضاعی، ۱۳۸۷، بارون و همکاران، ترجمه کریمی، ۱۳۸۹، اللهیاری، ۱۳۷۶، به نقل ثقفی و همکاران، ۱۳۸۸) بدین معنا که غریزه مرگ که مقابل غریزه زندگی است، میل به خود تخریب‌گری دارد اما از طریق مکانیسم جابجایی نیروی خود را به سمت بیرون معطوف می‌سازد تا مبنای پرخاشگری بر ضد دیگران باشد.

اما هر یک از نظریه‌پردازان دیگر این دیدگاه شاید نگاهی متفاوت از فروید به این مسئله داشته باشند. به عنوان مثال اریک فرام بدین نتیجه رسید که باید عواملی را که در فراسوی عوامل فردی هستند بررسی کرد و تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در تسریع و تشدید پرخاشگری و خشونت در نظر گرفت (دادستان، ۱۳۸۵).

**دیدگاه رفتارشناسی طبیعی.** این دیدگاه که سعی در شناخت رفتار انسان از طریق مطالعه رفتار حیوان در چارچوب طبیعی زندگی آنها و مقایسه رفتار آنها با هم دارد به سردمداری لورنز، بر اساس مشاهده و تجربه‌های حیوانی به این نتیجه رسید که پرخاشگری به طور مستقیم از یک غریزه جنگجویی فطری ناشی می‌شود. دادستان (۱۳۸۵) در ادامه توضیح این دیدگاه عنوان می‌کند که رفتارشناسان طبیعی بر این اعتقادند که درک پرخاشگری انسانی مستلزم بررسی پرخاشگری حیوانی است زیرا انسان‌ها بخشی از زندگی حیوانی هستند و احتمالاً از اغلب اصول حاکم بر آن که داروین برجسته کرده است، تبعیت می‌کنند. کنراد لورنز بیان داشت که انرژی این غریزه مشترک بین انسان و دیگر ارگانیسم‌ها، کم و بیش به طور ثابت و خود به خود تولید می‌شود و احتمال پرخاشگری تابع میزان انرژی ذخیره شده، وجود محرک‌های آزاد کننده پرخاش و قدرت این محرک‌هاست (کاپلان و سادوک، ترجمه رضاعی، ۱۳۸۷، بارون و همکاران، ترجمه کریمی، ۱۳۸۹، و دادستان، ۱۳۸۵).

**دیدگاه رفتارنگر.** رفتارگرها پرخاشگری را از طریق شرطی شدن کنشگر - ابزاری و سرمشق‌گیری تبیین می‌کنند (کاپلان و سادوک، ترجمه رضاعی، ۱۳۸۷، والترز و بندورا، ۱۹۶۳، و سینگر، ۱۹۷۱، به نقل سلطانی و همکاران، ۱۳۸۹، و دادستان، ۱۳۸۵). از دیدگاه محیطی، پرخاشگری رفتاری آموخته شده است. اگر کودکی از راه توسل به رفتارهای پرخاشگرانه به هدفش برسد می‌آموزد که از چنین رفتارهایی در آینده نیز برای دستیابی به خواسته‌هایش استفاده کند (ثقفی و همکاران، ۱۳۸۸). آندرسون<sup>۱</sup> و بوشمن<sup>۲</sup> ۲۰۰۱ و بوشمن و آندرسون، ۲۰۰۲ (به نقل بارون و همکاران، ترجمه کریمی، ۱۳۸۹)، در زمینه سرمشق‌گیری - که تحت عنوان نظریه یادگیری اجتماعی توسط بندورا مطرح شد تا رابط و حد وسطی باشد بین نظریه شناختی و رفتارگرایی (سیف، ۱۳۸۹) - اظهار می‌دارند که انسان‌ها با جموعه بزرگی از پاسخ‌های

<sup>۱</sup> - Anderson

<sup>۲</sup> - Bushman

پرخاشگرانه ذخیره شده در خزانه رفتاری به دنیا نمی‌آیند بلکه آنها باید این رفتارها را عمدتاً به همان شیوه ای که بیشتر شکل‌های پیچیده رفتار اجتماعی را کسب می‌کنند، بیاموزند یعنی از طریق تجربه یا به وسیله مشاهده رفتار دیگران، برای مثال، الگوهای اجتماعی، اعم از افراد زنده یا شخصیت‌های تلویزیونی، سینما یا حتی در بازی‌های ویدئویی که چنین رفتاری را به نمایش می‌گذارند. رسانه‌ها از طریق نقش‌پذیری، مهار گسستگی، حساسیت زدایی، برانگیختن احساسات پرخاشگرانه، و تشویق مخاطبین به خطرپذیری، بر رفتار تأثیر می‌گذارد (کاپلان و سادوک، ترجمه رضاعی، ۱۳۸۷).

**دیدگاه زیستی.** از این دیدگاه نظام عصبی و دستگاه غدد درون ریز به عنوان زیر بنای فیزیولوژیک رفتار پرخاشگرانه شناخته شده است (سلطانی و همکاران، ۱۳۸۹). دیدگاه زیستی، پرخاشگری انسان‌ها را که مانند هر فعالیت هماهنگ شده دیگری به ویژگی‌های ساختاری مغز و عضلات وابسته است، ناشی از تأثیر سیستم‌های عصبی - شیمیایی فطری می‌داند، و بر شباهت انسان‌ها و دیگر انواع حیوانات بیش از تفاوت آنها تأکید می‌کند (دادستان، ۱۳۸۵). کاپلان و سادوک (ترجمه رضاعی، ۱۳۸۷)، از این دیدگاه به نقش انتقال دهنده‌های عصبی، داروها و مواد مورد سوء استفاده اشاره کرده عنوان می‌کنند که پرخاشگری را در حیوانات به مواد مختلفی چون تستوسترون، پروژسترون، هورمون سازنده جسم زرد، رنین، بتا - اندورفین، پرولاکتین، ملاتونین، نوراپی نفرین، استیل کولین، سروتونین، ۵- هیدروکسی ایندول استیک اسید (5-HIAA) و فیل استیک اسید ربط داده‌اند. در مورد داروها و موارد سوء استفاده به نظر می‌رسد پرخاشگری با اندک الکل مهار و با مقادیر زیاد آن تسهیل می‌شود. اثرات باربیتورات‌ها شبیه اثرات الکل است. اضطراب‌زداها در مجموع پرخاشگری را مهار می‌کنند - یعنی می‌توان نتیجه گرفت که اضطراب می‌تواند سبب پرخاشگری شود. وابستگی به مواد شبه افیونی و نیز مصرف محرک‌ها، کوکائین، توهم زاها با افزایش پرخاشگری همراه است. همچنین از صدمه به نواحی عصبی مغز یاد می‌کنند که در تایید حرف خود به پژوهش دورتی لويس استناد کرده که در سال ۱۹۸۶ گزارش داد



همه زندانیان محکوم به اعدام که در پژوهش او بررسی شده بودند سابقه ای از آسیب دیدگی سر داشتند که اغلب والدین بد رفتارشان ایجاد کرده بودند.

### روش های درمانی

برای بزرگسالان روش هایی چون پرورش مهارت های اجتماعی، القای پاسخ های مغایر با پرخاش، درمان دارویی (کاپلان و سادوک، ترجمه رضاعی، ۱۳۸۷)، روش های شناختی - رفتاری از جمله آموزش روش های حل مسئله، CBT و درمان حمایتی، آموزش مهارت های اجتماعی (مورل<sup>۱</sup>، الیوت<sup>۲</sup> و مورفی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳ و سوخودولسکی<sup>۴</sup>، کازینوف<sup>۵</sup>، جورمن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵، به نقل قنواتی و نیسی، ۱۳۸۸)، و برنامه کنترل خشم برگرفته از پژوهش های نوکو شامل آموزش مهارت خودآموزی کلامی، کاهش استرس و آرام سازی، مهارت حل مسئله، مهارت های اجتماعی و مهارت ابراز وجود (ملکی و همکاران، ۱۳۹۰) و برای کودکان نیز مداخلات شناختی - رفتاری (قنواتی و نیسی، ۱۳۸۸) و بازی و بازی درمانی (ذوالمجد و همکاران، ۱۳۸۶) و قصه گویی و درمان با استعاره (نصیرزاده و روشن، ۱۳۹۰) پیشنهاد گردیده است.

### قصه و کاربردهای آن

برای باز کردن هر قفلی باید از کلید مناسب آن قفل استفاده کرد. به طور قطع یک کلید برای باز کردن تمام درها مناسب نیست. برای رفع مشکل کودکان نیز باید از روش های مناسب آنها بهره برد همانگونه که دکتر مری لوییز لوند بری در مقدمه کتاب آرتور روشن (ترجمه یزدانی و عمادی، ۱۳۹۱) چنین نگاه داشته است: برای گفتگو درباره مسائل کودکان باید از روش های غیر مستقیم برای ارتباط استفاده شود.

---

<sup>۱</sup> - Morrel  
<sup>۲</sup> - Elliott  
<sup>۳</sup> - Morphy  
<sup>۴</sup> - Sukhodolsky  
<sup>۵</sup> - Kassinove  
<sup>۶</sup> - Gorman

نمی‌توان از کودک که همه چیز را به شکل بازی می‌بیند و یا بهتر این است که گفته شود در همه حال و وضعی حتی وقتی رنجور و عصبانی است با بازی به تخلیه درونیات خود می‌پردازد، آنجا که عروسکش را تنبیه می‌کند یا ماشینش را محکم به دیوار می‌کوبد و می‌گوید پدر و مادر داخل ماشین بودند و آتش گرفتند و مردند، انتظار داشت مانند بزرگسالان روی یک صندلی روبروی مشاور بنشیند و درباره این مسئله که توسط والدینش درک نمی‌شود سخن براند. پس لازم است برای شناخت و حل مسائل کودک از روش‌هایی چون بازی‌درمانی (اکسلاین<sup>۱</sup>، ترجمه توتونچیان، ۱۳۷۸، رحمانی و محب، ۲۰۱۰)، قصه و قصه‌درمانی (اریکسون<sup>۲</sup> و روزن<sup>۳</sup>، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۸۱، روشن<sup>۴</sup>، ترجمه یزدانی و عمادی، ۱۳۹۱، و همتی، ۱۳۸۹)، یا ادبیات کودکان یعنی قصه‌گویی و نمایش خلاق (چمبرز، ترجمه قزل ایاغ، ۱۳۸۸) بهره گرفت. تاکنون از این فن‌ها، روشن (ترجمه یزدانی و عمادی، ۱۳۹۱) برای مواردی چون رفع مشکلات زندگی کودکان استفاده کرده است و همچنین حل مشکلات مردم.

### تعریف قصه

قصه نوعی روایت خواندنی یا شنیدنی است که در چگونگی و روند تعامل یک یا چند شخصیت با موضوعی براساس هدف، تحلیل، نتیجه و روش مورد نظر قصه‌گو یا قصه‌نویس بیان می‌شود (همتی، ۱۳۸۹). بعضی قصه‌گویی را هنر نقل قصه به نظم یا نثر توسط فردی برای یک یا چند شنونده تعریف کرده‌اند - مانند آنچه از تعریف قبل برداشت می‌شود - که معتقدند این هنر که اصلی‌ترین هدفش سرگرمی است می‌تواند با حرکات قصه‌گو، با تغییر صدا، موسیقی، نمایش عکس و غیره همراه باشد (حنیف، ۱۳۸۹).

<sup>۱</sup>- Axline  
<sup>۲</sup>- Erikson  
<sup>۳</sup>- Rosen  
<sup>۴</sup>- Rowshan,

در تعریف اول گفته شد که قصه نوعی روایت است. گفته شد روایت چون همه آثار داستانی ماجرای را نقل، بیان یا شرح می‌کنند و این ماجرا در قالب قصه ارائه می‌شود. خواندنی است اگر نگاشته شده باشد و به صورت کتاب قصه یا رمان و یا در مجله به چاپ رسیده باشد. و یا شنیدنی است اگر به سبک قدیم توسط نقال نقل شود و یا به شیوه‌های مدرن در رادیو، تلویزیون یا در لوح فشرده ارائه گردد. در این تعریف صحبت از تعامل شده است و نکته قابل توجه این است که منظور صرفاً تعامل دو یا چند نفر نیست چون گاهی قصه‌ها تنها دربرگیرنده یک شخصیت هستند. بلکه گفته شده است تعامل شخصیت با موضوع. گاهی قصه بیانگر تعارضات و کشمکش‌های درونی یک فرد با خودش است و قصه احتمالاً روایت این درگیری و نحوه حل آن توسط شخصیت قصه است. به عنوان مثال، فردی که برای نجات خود از فقر به فکر دزدی افتاده است اما در کش و قوس ندای درون و حال و وضع برون گیر افتاده است، در این بین روایت است که می‌گوید او به ورطه هوای نفس سقوط می‌کند یا به جبهه ندای وجدان در خواهد آمد. در این تعریف همچنین حرف از هدف به میان آمده است. البته که هر داستانی آغازی و انجامی دارد و این انجام در نظر گرفته شده با هدفی و برای نیل به هدفی است. اما آنچنان بیان شده است، هدف مورد نظر قصه‌گو جای حرف دارد. چه هدف قصه را نویسنده آن تعیین می‌کند نه قصه‌گو مگر در واردی که قصه نویس و قصه‌گو هر دو یک نفر باشند و برای همین است که لفظ "یا قصه نویس" در ادامه آمده است. جمله آخر به کل تعریف این معنی را می‌دهد که تمام تعاملات حضور یا عدم حضور شخصیت‌ها تعامل بین آنها، اتفاقات، رخدادها، نتایج این تعامل‌ها، همه و همه مبتنی بر نتیجه و هدفی است که مدنظر نویسنده است. یعنی تمامی آنها وسیله‌ای هستند برای بیان و رسیدن به این هدف خاص.

همانطور که گفته شد، قصه اجزاء و عناصری دارد تا با در کنار هم قرار گرفتن آنها ترکیبی حاصل شود که بتوان آنرا قصه گفت. در ادامه به معرفی این اجزاء پرداخته

خواهد شد اما قبل از آن به فایده، لزوم و اهمیت این روش و فن تازه ورود یافته به رشته روانشناسی پرداخته خواهد شد.

### اهمیت قصه

بسیارند کسانی که قصه‌های خوب را ((... تاریخ حقیقت‌های خاموش مانده گروه‌های ساده جوامع و تمثیل‌هایی برای شادی‌های نایافته و آرزوهای برنیامده)) می‌دانند. اگر چنین تعبیرهایی را بپذیریم، دیگر نمی‌توانیم اعتبار قصه‌ها را تنها در سرگرم کنندگی آنها بدانیم چرا که قصه‌ها همواره منعکس کننده دیدگاه انسان درباره جهان و عوامل ناشناخته پیرامون او و وسیله ای برای انتقال و آموزش آداب و سنن و اعتقادات و تاریخ یک نسل به نسل‌های دیگر بوده است. این سخنان قزل ایاغ که در پیشگفتار ترجمه کتاب چمبرز (ترجمه قزل ایاغ، ۱۳۸۸) نگاشته است را حنیف (۱۳۸۹) چنین تکمیل می‌کند: ثریا قزل ایاغ از استادان دانشگاه تهران، قصه‌گویی را صرف نظر از سرگرمی، ابزاری برای انعکاس دیدگاه انسان درباره جهان و عوامل ناشناخته پیرامون او می‌داند. وی همچنین ادعا می‌کند که قصه‌گویی به مثابه ابزاری مطمئن در خدمت آموزش و پرورش درآمده است و در تایید این سخن گفته است که جای خوشبختی است که به جز روش‌های رایج در مراکز آموزشی ویژه کودکان و نوجوانان که به فراگیری علوم گوناگون می‌پردازند مورد استفاده قرار می‌گیرند، هنر و ادبیات نیز توانسته است به عنوان یک ابزار کمک آموزشی برای آموزش انواع علوم به ویژه علوم انسانی تربیتی و پرورشی مطرح و معرفی گردد.

### فایده‌های قصه‌گویی

قصه گفتن فواید بسیاری دارد از جمله ممارست کودکان در مهارت‌هایی چون گوش دادن، تجسم، تصور و خیال پردازی (روشن، ترجمه یزدانی و عمادی، ۱۳۹۱). قصه و قصه‌گویی امروزه وسیله ای برای آموزش، شناخت، پیشگیری و حل مشکلات کودکان است و از آن در کلاس‌های آموزشی و اتاق‌های بازی استفاده می‌شود (جعفری مفرد طاهری، ۱۳۸۷).

## اجزای قصه

اجزای که در تمام قصه‌ها می‌توان دید و در واقع اجزای مشترک تمام قصه‌ها بنا بر آنچه همتی می‌گوید شامل شخصیت اصلی، شخصیت رویارو، موضوع، روند، پیام، مکان، زمان، زبان، بیان و نتیجه است.

## انواع قصه و قصه‌گویی

از نظر نوع بیان، قصه‌ها به دو گروه منظوم و مثنوی تقسیم می‌شوند. در توضیح این تقسیم بندی از همتی باید گفت نوع اول معمولا برای کتاب‌های کودکان بویژه کودکان زیر هفت سال کاربرد داشته و نوع دوم در کتاب‌های سنین بالاتر.

از نظر محتوا نیز وی قصه‌ها را از بعد باورپذیری به سه دسته واقعی، نیمه واقعی و غیر واقعی تقسیم نموده است.

تقسیم بندی‌های دیگری که صورت گرفته است از این قرار است: بر اساس تاریخ آفرینش اثر: باستانی، کهن، معاصر و امروز.

از نظر نوع زبان و بیان: تمثیلی، فلسفی، کنایی، طنز، رمزی، توصیفی، تصویری، ... . بر اساس موضوع و محتوا: اخلاقی، تربیتی، دینی، فلسفی، سیاسی، پلیسی، عشقی، علمی، تاریخی، اجتماعی، تفریحی.

بر اساس نوع شخصیت: انسانی، گیاهی، حیوانی، شیئی، ... . از نظر نوع کاربرد: آموزشی، تفریحی، عبادی، درمانی، ... .

بر اساس نوع مخاطب: خردسال، کودک، نوجوان، جوان، بزرگسال.

همتی در ادامه عنوان می‌کند که قصه‌های طول تاریخ را از نظر نوع موضوعشان به این ترتیب می‌توان تقسیم بندی کرد: قصه‌های دینی، تاریخی، تفریحی، اجتماعی، اخلاقی، عاشقانه، حماسی و خیالی.

با توجه به این تنوع نوعی در قصه‌ها، مسلم است که نمی‌توان در مورد همه آنها به شیوه نقل مشابهی بسنده کرد و همه انواع قصه را به یک سیاق برای مخاطب، از هر قشری و در هر سنی بیان کرد. پس ناگزیر انواع قصه‌گویی پدید آمد و هر یک به

شیوه‌ای به نقل قصه پرداخت که تاکنون نیز شاهد حضور و کاربرد این شیوه‌های متنوع هستیم. برخی از این روش‌ها، سبک‌ها یا بهتر همان است که گفته شود انواع قصه‌گویی در ادامه بحث مورد بررسی و اشاره قرار می‌گیرد.

### روش تحقیق

این پژوهش نیمه آزمایشی، و از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه است. متغیر مستقل در این پژوهش قصه‌گویی و متغیر وابسته پرخاشگری و نگرش نسبت به والدین می‌باشد. و در قالب طرح گروه‌های کنترل نامعادل است. از این طرح‌ها در شرایطی استفاده می‌شود که امکان استفاده از طرح‌های آزمایشی وجود نداشته باشد. در دنیای واقعی به ویژه در آموزش و پرورش، محدودیت‌هایی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به عدم امکان گزینش آزمودنی‌ها و واگذاری آنها به شرایط و گروه‌های مختلف به گونه تصادفی اشاره کرد. روش پژوهش هنگامی نیمه آزمایشی خوانده می‌شود که گزینش و واگذاری آزمودنی‌ها به گروه‌های آزمایش و کنترل به تصادف انجام نگیرد (دلور، ۱۳۸۴ و هومن، ۱۳۸۹).

### نمونه و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش روش گردآوری اطلاعات میدانی است. درگام اول بعد از مطالعات نظری، ابزارهای پژوهش تهیه و سپس از بین مدارس که آمار بالایی از دانش‌آموزان پرخاشگر گزارش کرده بودند، تعداد ۱۰ مدرسه (مناطق آموزش و پرورش شهر تهران به ۵ قسمت مرکز، شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم و از هر قسمت یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه که بالاترین میزان پرخاشگری را گزارش کردند) به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب می‌شود. پس از مراجعه به مدارس انتخاب شده پرسشنامه پرخاشگری شهیم و فرم معلم راتر و آزمون ترسیم خانواده برای ارزیابی نگرش نسبت به والدین در پایه‌های سوم، چهارم و پنجم اجرا می‌شود. در این مرحله ۴۰ دانش‌آموز که نگرش منفی نسبت به والدین داشتند و ۴۰ دانش‌آموز که

براساس هر دو فرم پرخاشگر شناخته شدند انتخاب و به صورت دو گروه ۲۰ نفره ( گروه آزمایشی و کنترل ) تقسیم شدند .

### ابزار پژوهش

در این پژوهش ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه و آزمون ترسیم خانواده است که درذیل معرفی هر یک از ابزارها صورت می گیرد .

**پرسشنامه پرخاشگری کودکان دبستانی :** این پرسشنامه دارای ۲۱ گویه چهارگزینه ای برای ارزیابی پرخاشگری است که توسط شهیم ( ۱۳۸۵ ) ساخته و پایایی و روایی آن برای کودکان دبستانی شهر شیراز مورد ارزیابی قرار گرفته است . شهیم ( ۱۳۸۵ ) ضریب آلفای کرونباخ را برای کل پرسش نامه ۰.۹۱ گزارش کرده است . ارزیابی روایی پرسش نامه با استفاده از تحلیل عامل با محور اصلی و به دنبال آن چرخش مایل گویه ها نیز منجر به استخراج سه عامل با ارزش ویژه بیشتر از یک گردید که ۵۹ درصد واریانس را تبیین می کرد ( شهیم، ۱۳۸۵ ) .

**فرم گزارش معلم:** برای سنجش پرخاشگری کودک از منظر معلم نیز از پرسشنامه رفتاری کودکان راتر فرم ب (فرم معلم) استفاده شد. بدین صورت که ابتدا معلم یا مربی کودک، عبارات پرسشنامه را مطالعه کرده و با در نظر گرفتن مشاهدات خود از رفتار کودک در سه هفته گذشته، پرسشنامه را در مورد کودک نمره گذاری می کند. طوریکه به هر سؤال حداقل ۰ و حداکثر ۲ نمره تعلق می گیرد. و به این ترتیب دامنه نمرات ۰ تا ۶۰ خواهد بود. این فرم پرسشنامه مشتمل بر ۵ خرده مقیاس به این قرار است: ۱- پرخاشگری و بیش فعالی ۲- اضطراب و افسردگی ۳- ناسازگاری اجتماعی ۴- رفتارهای ضد اجتماعی و ۵- اختلال کمبود توجه. در مورد اعتبار و روایی این آزمون، در ایران با به کار بردن روش دو نیمه کردن و بازآزمایی، پایایی پرسشنامه در سطح ۰/۰۰۱، به ترتیب ۶۸٪ و ۸۵٪ گزارش گردیده است. احسان منش (۱۳۷۲)، در پژوهشی آزمایشی ضریب همبستگی بین نمرات پرسشنامه راتر فرم معلم و والدین را در پیش آزمون گروه آزمایشی ۵۱٪ و در پس آزمون این گروه ۵۲٪ گزارش نموده است.

رومزیور (۱۳۷۴)، پایایی پرسشنامه را با روش بازآزمایی به فاصله دو هفته ۰/۷۲٪ گزارش کرد. فریده یوسفی (۱۳۷۷)، ۱۶۰۰ دختر و پسر ۱۱-۶ ساله را به منظور سنجش اعتبار و قابلیت اعتماد آزمون راتر (فرم ۳۰ ماده‌ای)، مورد مطالعه قرار داد که با روش بازآزمایی قابلیت آزمون ۰/۹۰٪ گزارش گردید. در مورد روایی این آزمون در ایران فریده یوسفی همان نمونه را از نظر معیارهایی چون آزمون هوشی ترسیم آدمک، بندر گشتالت، معدل درسی و ارزیابی معلم، مورد مطالعه قرار داد و نتیجه حاکی از آن بود که بین نمره راتر و موارد یاد شده همبستگی بالایی وجود دارد که این نتیجه به مناسب بودن آزمون راتر جهت ارزیابی مشکلات رفتاری کودکان در فرهنگ ایرانی دلالت دارد. همچنین پایایی پرسشنامه توسط پژوهشگر محاسبه گردید و مقدار آلفای کرونباخ ۰/۷۳ بدست آمد.

**آزمون ترسیم خانواده:** این آزمون را اپل (۱۹۳۱) و ولف (۱۹۴۲) برای اولین بار پیشنهاد کردند، اما بعدها هال (۱۹۵۱) آن را به طور کامل تر به عنوان ترسیم خانواده (DAF) تدوین کرد (مارنات، ۱۳۷۴). این آزمون به دو شیوه قابل اجراست: شیوه پورو و شیوه کرمن. در شیوه پورو آزمونگر از کودک می‌خواهد که به ترسیم خانواده خود پردازد. در حالی که در شیوه اجرای کرمن آزمونگر از کودک می‌خواهد که "یک خانواده ای را که دوست داری ترسیم کن". این دستورالعمل آزادی کامل تری فراهم می‌سازد از این راه، تمایلات ناهشیار با سهولت بیشتری بیان می‌شود. در این شیوه کودک مختار است که خانواده خودش یا هر خانواده دیگری را که تمایل دارد انتخاب و ترسیم کند. اجرای آزمون مستلزم آن است که یک صفحه کاغذ، یک مداد و هفت مدادرنگی به کودک داده شود و به صورت انفرادی و ماهرانه حرکات کودک زیر نظر گرفته شود. آزمون ترسیم خانواده شاخص های ترسیمی و محتوایی در ارزیابی نقاشی های کودکان را مورد توجه قرار می‌دهد (کرمن، ۱۳۹۱).

آزمون ترسیم خانواده را پژوهشگران زیادی هنجاریابی کردند. پایایی این روش در آمریکا در سطح بالایی گزارش شده است (وتکینز، کمپبل، نیبردینگ و هالمارک،



(۱۹۹۵). اعتبار به دست آمده برای این آزمون را پژوهشگران در سال ۱۹۹۹ برابر با ۰.۸۲ و اعتبار به دست آمده در سال ۱۹۸۲ برابر با ۰.۸۷ و اعتبار به دست آمده در ایران برابر با ۰.۸۴ گزارش شده است (خدایاری فرد، ۱۳۸۳). اعتبار آزمون ترسیمی را ملونی و گلسر (۱۹۸۲) برابر ۰.۷۸ برآورد کردند. در پژوهش خدایاری فرد (۱۳۸۳) پایایی آزمون ترسیمی را از طریق آلفای کرونباخ ۰.۸ برآورد کرد.

### شیوه اجرا و گردآوری اطلاعات پژوهش

در پژوهش حاضر داده‌های مورد نظر، از طریق روش میدانی و با اجرای ترسیم خانواده و پرسشنامه رفتاری کودکان راتر فرم ب (فرم معلم) و پرسشنامه پرخاشگری شهیم گردآوری شد. برای این کار، در استفاده از آزمون ترسیم خانواده، ابتدا کودکان دبستانی شرکت کننده در پژوهش (در متغیر گرایش نسبت به والدین)، هر یک به ترسیم خانواده‌ای پرداختند بدین صورت که کودک را در مقابل میزی که کاملاً اندازه اوست نشاند و یک برگ کاغذ سفید و یک مداد نوک تیز نسبتاً نرم در اختیار او قرار داده می‌شد (کرم، ۱۹۰۱، ترجمه دادستان و منصور، ۱۳۸۹). پس از تفسیر نقاشی‌ها توسط دو نفر از کارشناسان ارشد روان شناسی که از موضوع پژوهش اطلاعی نداشتند کودکانی را که دارای گرایش منفی نسبت به والدین، شناخته شدند به تصادف در گروه آزمایش یا کنترل قرار داده سپس برای اعضای گروه آزمایش قصه‌هایی متناسب با مسئله شناسایی شده ارائه گردید. بدلیل طراحی و نگاشتن قصه‌ها توسط پژوهشگر برای تغییر گرایش نسبت به والدین، هر هشت قصه نوشته شده در اختیار روانشناسان و همچنین کارشناسان ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قرار گرفت که پس از مطالعه توسط کارشناس کانون، اصلاحات لازم انجام شد. سپس از مقیاس لیکرتی که انتهای هر قصه قرار داده شده بود تا میزان تناسب هر قصه با هدف جلسات، مورد ارزیابی واقع شود، و توسط روانشناسانی که در حوزه کودک فعالیت می‌کنند تکمیل گردیده بود، همبستگی اسپیرمن گرفته شد که نتیجه نشان داد بین تمامی آنها همبستگی مثبت و معنادار در سطح ۰/۰۱ یا ۰/۰۵ وجود دارد. در پایان پس

از اتمام جلسات قصه‌گویی مجدداً همه کودکان، خانواده‌ای ترسیم کرده و با نقاشی قبلی آنها مقایسه شد تا تغییرات احتمالی گروه آزمایش مشخص گردد. برای متغیر پرخاشگری نیز کودکانی را که توسط مربی در تکمیل پرسشنامه رفتاری کودکان راتر ووالدین شهیم دارای پرخاشگری شناسایی گردیدند، به تصادف به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم کرده اعضای گروه آزمایش در معرض قصه‌هایی که برای این مسئله نوشته شده‌اند و دارای حمایت تجربی هستند قرار گرفتند. پس از پایان یافتن جلسات قصه‌گویی، مجدداً این پرسشنامه به مربی داده شد تا نتایج با آنچه در ابتدا حاصل گردیده، مقایسه گردد. جلسات قصه‌گویی بسیار پرنرژی بود علی‌الخصوص اگر در ساعات میانی روز اجرا میشد ساعات ابتدایی با کمی بی‌حوصلگی و خواب‌آلودگی همراه بود و ساعات پایانی نیز به دلیل کمبود انرژی و خستگی از میزان توجه به قصه کاسته میشد. ابراز علاقه بیشتر کودکان به شخصیت‌های غیر انسانی در خور توجه بوده است. بعد از پایان هر جلسه قصه‌گویی با ایجاد چالش از طریق پرسیدن سوالات مرتبط با موضوع توجه و علاقه کودکان بیش از پیش به جلسات جلب میشد و آنها با صحبت راجع به شخصیت‌های قصه بسیار جالب و محسوس به خود افشاگری و همزاد‌پنداری با شخصیت قصه می‌پرداختند.

### روش تجزیه و تحلیل

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS با محاسبات و آزمون آماری صورت می‌گیرد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روشهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده می‌شود. از آمار توصیفی به منظور تنظیم جدول توزیع فراوانی و محاسبه شاخص‌های مرکزی (میانگین، انحراف معیار و ...) و در راستای رسیدن به اهداف و آزمون فرض از آزمون تحلیل کوواریانس و آزمون  $t$  مستقل.

## یافته ها

جدول ۱- همگنی خطای واریانس ها

نام آزمون	آماره F	درجه آزادی صورت	درجه آزادی مخرج	سطح معناداری
آزمون پرخاشگری کودکان	۰.۰۵۹	۱	۳۸	۰.۶۱
فرم معلم	۰.۱۴	۱	۳۸	۰.۷۹

با توجه به نتایج جدول ۱ با داشتن  $P > 0.05$  داده ها مفروضه تساوی خطای واریانس ها را تأیید می کند.

جدول ۲ به بررسی وجود همبستگی متغیر تصادفی کمکی و متغیر وابسته پرداخته است، همچنین اثر اصلی گروه را نشان می دهد.

جدول ۲- همبستگی متغیر تصادفی کمکی و متغیر وابسته و اثر اصلی گروه به تفکیک آزمون پرخاشگری و فرم معلم

مجدور اتا	درجه آزادی		F		معناداری	
	فرم معلم	آزمون پرخاشگری	فرم معلم	آزمون پرخاشگری	فرم معلم	آزمون پرخاشگری
پیش آزمون	۱	۱	۱۵.۰۷	۱۵.۲	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱
گروه	۱	۱	۲۱.۶	۲۲.۵	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
خطا	۳۷	۳۷	۱۹.۲۵	۱۹.۴۲		

از این داده ها چنین برمی آید که دیگر مفروضه آزمون آماری آنکواوا یعنی لزوم وجود همبستگی متغیر تصادفی کمکی و متغیر وابسته در هر دو پرسشنامه رعایت شده

است. بنابراین نوع گروهی که فرد در آن قرار می‌گیرد بر میزان خشونت وی تأثیر معنی داری دارد. بنابراین نتیجه، فرضیه اول پژوهش یعنی قصه‌گویی بر خشونت کودکان ۸-۱۱ ساله تأثیر مثبت دارد، تأیید می‌گردد و فرض صفر رد می‌شود.

فرضیه دوم: برای آزمودن فرضیه دوم پژوهش یعنی قصه‌گویی بر تغییر نگرش منفی کودکان ۸-۱۱ ساله نسبت به والدین تأثیر دارد، از آزمون خی دو استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ آمده است. جدول ۵ نیز بزرگی و اندازه رابطه بدست آمده را نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتیجه آزمون خی دو برای ارزیابی گرایش کودکان نسبت به والدین

معنی داری	df	مقدار	
۰.۰۰۲	۱	۹.۰۸	مجذور کای پیرسون
۰.۰۰۷	۱	۷.۴۴	همبستگی پیوسته

جدول ۴ اندازه رابطه متغیر مستقل و گرایش نسبت به والدین

معنی داری	مقدار	
۰.۰۰۲	۰.۴	ضریب فای
۰.۰۰۲	۰.۴	ضریب کرامر
	۴۰	فراوانی موارد معتبر

از داده‌های جدول چنین می‌توان فهمید که بین عضویت در گروه و گرایش نسبت به والدین، رابطه معنی داری وجود دارد  $P < 0.01$ ،  $9.08 = \chi^2$  مجذور کای، این همبستگی نزدیک به متوسط بود:  $0.4 = \text{ضریب فای}$ . بنابراین پاسخ فرضیه دوم پژوهش مثبت می‌باشد و می‌توان گفت قرار گرفتن در معرض قصه‌گویی در تغییر نگرش مثبت فرزندان تأثیر دارد.

فرضیه سوم: در بررسی مفروضه‌های آزمون آنکوا، برای سومین فرضیه پژوهش یعنی بین دختران و پسران ۸-۱۱ ساله از نظر تأثیر قصه‌گویی بر میزان پرخاشگری

تفاوت وجود دارد. همگنی رگرسیون متغیر تصادفی کمکی و متغیر مستقل تعامل معناداری ندارند. در نتیجه یکی از مفروضه های اصلی تحلیل کوواریانس برقرار است.

در جدول ۵ آماره لوین که برای سنجش همگنی خطای واریانس ها به کار می رود محاسبه گردیده است.

جدول ۵- همگنی خطای واریانس ها

نام آزمون	آماره F	درجه آزادی صورت	درجه آزادی مخرج	سطح معناداری
آزمون پرخاشگری کودکان	۴.۶۶	۳	۳۶	۰.۰۱
فرم معلم	۴.۸۲	۳	۳۶	۰.۰۱

نتیجه این جدول  $P \leq 0.01$  حاکی از آن است که داده ها از همگنی خطای واریانس ها در سطح ۰.۰۱ حمایت می کنند. در جدول ۶ همبستگی متغیر تصادفی کمکی و متغیر وابسته و اثر اصلی گروه و تعامل آن با متغیر تعدیل گر گزارش شده است.

جدول ۶- همبستگی متغیر تصادفی کمکی و متغیر وابسته و اثر اصلی گروه و تعامل آن با متغیر تعدیل گر به تفکیک آزمون

مجموعه	درجه آزادی		F		معناداری		مجذور اتا	
	فرم معلم	آزمون پرخاشگری	فرم معلم	آزمون پرخاشگری	فرم معلم	آزمون پرخاشگری	فرم معلم	آزمون پرخاشگری
پیش آزمون	۱	۱	۲۱.۱۷	۲۱.۰۷	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۴۵	۰.۵۴
گروه	۱	۱	۸.۱	۹	۰.۲۴	۰.۲۱	۰.۱۹	۰.۲۹
گروه*جنسیت	۱	۱	۲.۷۹	۲.۹۷	۰.۱	۰.۱	۰.۲	۰.۴

این داده‌ها گویای این هستند که اثر اصلی جنسیت در هر دو مقیاس معنادار نیست. همچنین تعامل گروه و جنسیت نیز معنی‌دار نمی‌باشد یعنی در ایجاد تغییرات حاصل، جنسیت نقشی ایفا نمی‌کند و اعضا صرف نظر از جنسیتشان به متغیر مستقل واکنش نشان داده‌اند. به عبارت دیگر جنسیت هیچ سهمی از واریانس در تبیین تغییرات مشاهده شده ندارد. در نتیجه فرضیه سوم پژوهش یعنی بین دختران و پسران ۸-۱۱ ساله از نظر تأثیر قصه‌گویی بر پرخاشگری تفاوت وجود دارد، رد شده و فرض صفر تایید می‌گردد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه بدست آمده از این پژوهش گویای این بود که قصه‌گویی بر پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی تأثیر مثبت دارد، یعنی میزان پرخاشگری کودکانی که قصه‌ها را شنیده بودند و مورد بحث قرار داده بودند کمتر از دیگر کودکان شده بود. این نتیجه موافق با نتیجه پژوهش رحمانی و محب (۲۰۱۰) است که در مقایسه دو روش خاک‌درمانی و قصه‌گویی، گزارشی ارائه دادند مبنی بر این که هر دو روش موثر واقع گردیدند با میزان اثری مشابه یکدیگر. همچنین این نتیجه موافق با نتیجه‌ایست که صباغیان (۱۳۸۶) در مطالعه تأثیر قصه‌گویی بر پرخاشگری کودکان از هر دو جنس بدان دست یافته و تأثیر این روش را مثبت گزارش کرده است. نصیرزاده و روشن (۱۳۹۰) نیز نتایج پژوهش خود را درباره تأثیر قصه‌گویی بر پرخاشگری پسران ۸-۶ ساله و مقایسه تأثیر دو روش قصه‌گویی بر رفتارهای پرخاشگرانه کودکان پسر از دیدگاه والدین، در قالب دو مقاله ارائه کردند که در هر دو مورد نتایج حاکی از تأثیر مثبت این روش بودند. بدین ترتیب نتایج این دو مقاله نیز نتیجه بدست آمده در پژوهش حاضر را حمایت می‌کنند. به علاوه یوسفی لویه و متین (۱۳۸۵)، سلطانی (۱۳۸۵)، همایی و همکاران (۱۳۸۸)، جعفری مفرد طاهری (۱۳۸۷)، تویسرکانی و همکاران (۱۳۸۷) و نیک منش و کاظمی (۱۳۸۸)، همگی به نتایجی دست یافتند مبنی

بر تأثیر مثبت این روش در کاهش مشکلات گوناگون رفتاری و یادگیری کودکان از جمله ترمیم راهبردهای رویارویی کودکان با مشکلات یادگیری، افزایش عزت به نفس دانش آموزان دختر، افزایش سازگاری و کنترل هیجانی کودکان، آموزش مهارت‌های اجتماعی، کاهش نشانه‌های اختلال سلوک جهت کاهش مشکلات رفتاری کودکان، و در نهایت برای آموزش خوش بینی با هدف تغییر سبک اسناد در کودکان. و این به معنای متمر ثمر بودن این روش در زمینه‌های مختلف است. در بیان علت نتیجه بدست آمده، همتی (۱۳۸۹) می‌گوید همه آدمیان از همه رویدادها تجربه عملی ندارند اما از دیده‌ها و شنیده‌های دیگران عبرت می‌گیرند و از تجربه‌های نیک و بد شخصیت‌های گوناگون داستان‌ها تجربه ذهنی کسب می‌کنند. دیدگاه یادگیری مشاهده‌ای بندورا (جوادی و همکاران، ۱۳۸۷، فاضل، ۱۳۸۷، حاتمی، ۱۳۸۷، حسینی انجدانی، ۱۳۸۷، هرگنهان و السون، ترجمه سیف، ۱۳۸۹، و سیف، ۱۳۸۹) مسئله را این گونه تبیین می‌کند که کودک از طریق تنبیه جانشینی با عاقبت کار و نتیجه رفتارهای پرخاشگرائه شخصیت داستان مواجه شده و دست از انجام و تکرار آن رفتارها می‌کشد. نتیجه دیگری که پس از انجام پژوهش دیده شد، مبنی بر این بود که بین دختران و پسران دوره دبستانی از نظر تأثیر قصه‌گویی بر کاهش پرخاشگری تفاوت وجود ندارد، یعنی در کاهش مشاهده شده در پرخاشگری کودکان، جنسیت نقشی ایفا نمی‌کند و اعضاء صرف نظر از جنسیتشان چنین کاهش را نشان داده‌اند. در این ارتباط نیز پژوهش‌های پیشین چون آرنت (۲۰۰۴)، اسکندی و کیانی (۱۳۸۶)، تویسرکانی و راوری (۱۳۸۷)، نیک منش و کاظمی (۱۳۸۸)، نصیرزاده و وروشن (۱۳۹۰)، و پژوهش‌های دیگران، متغیر جنسیت را کنترل کرده و صباغیان (۱۳۸۶) نیز که این متغیر را در پژوهش خود در نظر گرفته است، نتایج حاصل از آن در دست نیست. همایی و همکاران (۱۳۸۶)، نیز با وجود دخالت هر دو جنس در نمونه خود، این متغیر را مورد ارزیابی قرار نداده‌اند. یوسفی لویه و متین (۱۳۸۵) اما تفاوت معنی‌داری در پژوهش خود بین دو جنس از نظر میزان تغییر، مشاهده نکردند و این نتیجه، نتیجه بدست آمده در این

پژوهش را تایید می‌کند. نتیجه بدست آمده بعدی پژوهش این بود که قصه‌گویی بر تغییر گرایش کودکان دبستانی نسبت به والدین تأثیر مثبت دارد. از آنجایی که نخستین بار است به این موضوع پرداخته می‌شود، بنابراین پژوهشی که نتایجی در تایید یا رد این نتیجه بدست آمده باشد یافت نگردید. در نتیجه جستجوهای انجام شده تنها پرسشنامه‌ای در این زمینه یافت گردید که برای نوجوانان ساخته شده بود. بنابراین برای سخن گفتن در مورد نتیجه بدست آمده باید گفت که به طور منطقی، از آنجا که اکثر موارد تهدید کننده اعتبار بیرونی و تا حد امکان عوامل تهدید کننده اعتبار درونی، کنترل شدند، نتیجه بدست آمده قابل اعتماد و استناد است. نتیجه دیگری که در انتهای این پژوهش حاصل شد این بود که بین دختران و پسران دوره دبستانی از نظر تأثیر قصه‌گویی بر تغییر گرایش نسبت به والدین تفاوت وجود ندارد و هر دو گروه تغییری یکسان از خود نشان دادند. در این ارتباط نیز مانند نتیجه پیشین، پژوهشی که از این یافته دفاع کند یا آنرا رد نماید یافت نشد پس در اینجا نیز با اتکاء به منطبق پژوهش و بر اساس کنترل‌های اعمال شده بر عوامل تهدید کننده اعتبار درونی و بیرونی تا حد امکان، می‌توان گفت که نتیجه بدست آمده قابل اعتماد است. در ارتباط با نتیجه حاصل شده، لازم به ذکر است که ارتباط فعال و رو در رو و دو جانبه پژوهشگر با کودکان هنگام قصه‌گویی و حتی قبل و بعد از آن و تلاش در رساندن پیام قصه به گوش جان آنها و همچنین داشتن مهارت‌های کسب شده قصه‌گویی و به کار بستن آنها توسط پژوهشگر، همچنین طرح پرسش‌هایی در ارتباط با قهرمان قصه پس از پایان هر جلسه، همگی در بدست آمدن چنین نتیجه‌ای حائز اهمیت بوده‌اند. چنان که یوسفی لویه و متین (۱۳۸۹) از شاپیرو و راس (۲۰۰۲) نقل کرده‌اند که نقش خاص پرسش کردن در فرایند قصه‌گویی و درک داستان‌ها، از جنبه‌های مهم قصه‌درمانی است. در نهایت می‌توان با اطمینان گفت که نتایج این پژوهش قابل استفاده و کاربرد برای والدین، مربیان و مراقبان کودک جهت ایجاد تغییر در گرایش منفی نسبت به والدین و همچنین در کاهش پرخاشگری و خشونت کودکان است.



## منابع

- آزاد، حسین. (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی روانی. تهران: بعثت.
- اریکسون، میلتن، و روزن، سیدنی. (۱۳۸۲). نقش قصه در تغییر زندگی و شخصیت: قصه‌درمانی. (ترجمه مهدی قراچه‌داغی). تهران: دایره. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد).
- استرنبرگ، رابرت. (۱۳۸۸). قصه عشق: نگرشی تازه به روابط زن و مرد. (ترجمه علی اصغر بهرامی). تهران: جوانه رشد. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد).
- اسکندری، حسین، کیانی، ژاله. (۱۳۸۶). تأثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه ورزی و پرسش‌گری دانش‌آموزان. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۷، ۳۶-۱.
- ام. اکسلاین، ویرجینیا. (۱۳۷۸). در جستجوی خویش. (ترجمه توتونچیان) تهران: فرهنگستان یادواره. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۱۱).
- انجمن دستداران کودک کرمان. (۱۳۸۹). با قصه‌گویی مهارت‌های زندگی را تمرین کنیم: ویژه والدین و مراقبان کودک. تهران: مولف.
- بابایی، انسیه، طاهره گلستانی بخت، قاسم یعقوبی، بررسی رابطه ابعاد شخصیتی مادر با اضطراب در کودکان.
- بارون، رابرت، بیرن، دان و برنسکامب، نایلا. (۱۳۸۹). روانشناسی اجتماعی (ویراست یازدهم). (ترجمه یوسف کریمی). تهران: روان. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۶).
- بازرگان، زهرا، صادقی، ناهید، و غلامعلی لواسانی، مسعود. (۱۳۸۲). بررسی وضعیت خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران: مقایسه نظرات دانش‌آموزان و معلمان. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۱، ۲۸-۱.
- براهنی، محمد تقی و دیگران. (۱۳۸۹). واژه‌نامه روانشناسی و زمینه‌های وابسته. تهران: فرهنگ معاصر.
- بریس، نیکلا، کمپ، ریچارد، و سنلگار، رزمی. (۱۳۸۸). تحلیل داده‌های روانشناسی با برنامه اس پی اس اس (ویراست سوم). (ترجمه خدیجه علی آبادی و علی صمدی). تهران: دوران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد).
- بزرگ‌نژاد، حسین، حسن زاده اصفهانی، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر باورهای مذهبی بر پرخاشگری دانش‌آموزان شهدا، جانبازان و عادی دبیرستان‌های دخترانه شاهد شهر تهران. فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۶، ۱۸۳-۱۶۹.

تأثیر قصه‌گویی بر گرایش منفی نسبت به والدین و پرخاشگری کودکان

- بنی جمالی، احد و جمهری، فرهاد. (۱۳۸۶). روانشناسی رشد: از نوجوانی تا پیری. تهران: قلم.
- بهرامی، هادی. (۱۳۸۵). آزمون‌های روانی: مبانی نظری و فنون کاربردی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- پربرخ، مهری، و امجدی، زهرا. (۱۳۸۶). داستان همچون ابزاری برای کمک به کودکان و نوجوانان در مقابله با مشکلات. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوانان، ۴۹، ۶۸-۴۷.
- پورشهریاری، مه‌سیمما. (۱۳۸۸). بررسی رابطه شرم و گناه با ابعاد خشم و مقایسه آن در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. مطالعات روانشناختی، ۳، ۴۶-۲۸.
- پورنقاش تهرانی، سید سعید. (۱۳۸۴). بررسی خشونت خانوادگی در خانواده‌های تهرانی. دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، دور جدید.
- توسلی، غلامعباس، فاضل، رضا. (۱۳۸۱). تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و رفتار والدین بر اثربخشی خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان. مجله جامعه شناسی ایران، ۴، ۱۴۷-۱۱۵.
- تویسرکانی راوری، مهدیه، یونسی، سید جلال و یوسفی لویه، مجید. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی مبتنی بر قصه در کاهش نشانه‌های اختلال سلوک کودکان. فصلنامه خانواده پژوهی، ۱۳، ۶۳-۷۶.
- ثقفی، طوبی، شفیع آبادی، عبدالله، و سودانی، منصور. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر کاهش رفتارهای پرخاشگرانه دانش‌آموزان دبیرستان شهر رشت. یافته‌های نو در روانشناسی، ۴۶-۳۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی